

ارزشیابی توصیفی (اصول و کاربرد)

تألیف:

دکتر سید احمد هاشمی

(دانشیار دانشکده اراد اسلامی واحد لامرد)

مریم بناییش فر

(دانشجوی دکتری فلسفه تعالیم و تربیت)



۱۳۹۸

سرشناسه: هاشمی، سید احمد، ۱۳۵۳، [دکتر]

عنوان و نام پدید آور: ارزشیابی توصیفی / تألیف سید احمد هاشمی، مریم ستایش فر؛ ویراستار پریسا داداش پور

مشخصات نشر: بناب: پارلاق قلم، ۱۳۹۸

مشخصات ظاهری: ۱۴۰ ص.

شابک: ۲۰۰۰۰ ریال ۸۰۰۰-۷۷۹۳-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

موضوع: آموزش ابتدایی -- ارزشیابی

موضوع: Education, Elementary -- Evaluation

شناسه افزوده: ستایش فر، مریم، ۱۳۵۰ -

رده بندی کنگره: ۴۱۳۹۶ الف ۱۶ هـ / LB۱۵۵۵

رده بندی دیویی: ۳۷۲

شماره کتابشناسی ملی: ۴۷۷۲۵۹۸

ارزشیابی توصیفی (اصول و کاربرد)

تألیف: دکتر سید احمد هاشمی، مریم ستایش فر

ویراستار: پریسا داداش پور

ناشر: پارلاق قلم

گرافیک: آتلیه گرافیکی انتشارات

تایپ و صفحه آرایی: ندا قریشی

تیراژ: ۱۰۰۰

لیتوگرافی: آذین قطع: وزیری

چاپ: سبز صحافی: امین

چاپ نخستین: ۱۳۹۸ تعداد صفحه: ۱۴۰

قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۷۹۳-۸۰۰-۰

دفتر: بناب، خیابان امام، روبروی بانک سپه، پاساژ پور صادق

۰۴۱-۳۷۷۴۵۵۸۵ | ۰۹۳۹ ۸۶۶ ۴۲۷۶

parlaq.qalam@gmail.com



این چ پ و نشر محفوظ است

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۸.....	پیشگفتار:
۱۱.....	مقدمه:
۱۵.....	فصل اول: ماهیت ارزشیابی توصیفی
۱۶.....	تعاریف و اژدها
۱۶.....	امتحان
۱۷.....	مبانی رویگردانی از ارزشیابی
۱۹.....	ارزشیابی توصیفی
۲۰.....	مبانی و اصول ارزشیابی توصیفی
۲۲.....	اهداف ارزشیابی کیفی - توصیفی
۲۲.....	ویژگی‌های ارزشیابی کیفی - توصیفی
۲۳.....	ابزارهای ارزشیابی کیفی - توصیفی
۲۷.....	انواع آزمون‌های عملکردی:
۳۰.....	انواع پوشه کار:
۳۰.....	اجزاء پوشه کار:
۳۴.....	انواع مقیاس درجه‌بندی:
۳۵.....	ویژگی‌های توصیف معلم در بازخوردهای پایانی
۳۶.....	رهنمودی برای استفاده از مقیاس‌های رتبه‌ای برای دانش‌آموزان
۳۷.....	بازخورد
۳۷.....	انواع بازخورد
۳۸.....	چه موقع از بازخورد کتبی استفاده کنیم؟
۳۹.....	ویژگی‌های بازخورد مناسب:

۴۰	نکات قابل توجه در خودسنجی و همسال سنجی
۴۲	نتایج و پیامدهای مورد انتظار ارزشیابی کیفی - توصیفی
۴۲	آسیب‌های موجود فراروی برنامه ارزشیابی کیفی - توصیفی
۴۴	وظایف معلم در ارزشیابی توصیفی
۴۹	اصول ارزشیابی توصیفی
۵۱	ویژگیهای ارزشیابی توصیفی
۵۴	چالش‌های ارزشیابی کیفی - توصیفی
۵۶	فصل دوم: ارزشیابی توصیفی و سیر آن
۵۷	اهمیت ارزشیابی توصیفی
۶۱	توجه به ویژگی‌های اجتماعی-عاطفی سطوح مختلف یادگیری؛
۶۳	مشکلات محور قرار دادن امتحان در نظام ارزشیابی
۶۵	امتحان ابزار تهدید و ارعاب دانش‌آموزان
۶۶	امتحان و خلاقیت
۶۷	ایجاد نگرش منفی به درس و مدرسه
۶۷	امتحانات عامل افت یادگیری
۶۸	نتیجه محوری
۸۰	فصل سوم: ویژگی‌های ارزشیابی توصیفی
۸۱	ویژگی‌های طرح ارزشیابی توصیفی
۹۴	برتری‌ها یا ویژگی‌های ارزشیابی توصیفی نسبت به روش کمی
۹۸	فصل چهارم: طرح ارزشیابی توصیفی یکی از نوآوری‌های روز
۹۹	ارزشیابی توصیفی یکی از نوآوری‌های روز
۱۰۱	محاسن ارزشیابی توصیفی

۱۰۴.....	معایب ارزشیابی توصیفی
۱۰۵.....	درباره پایه ششم ابتدایی
۱۰۷.....	مزایای پایه ششم
۱۰۸.....	فصل پنجم: نتیجه گیری
۱۰۹.....	نتیجه گیری
۱۱۴.....	تاریخچه و اهداف ارزشیابی کیفی و توصیفی دانش آموزان
۱۱۵.....	محاسن ارزشیابی کیفی - توصیفی
۱۱۸.....	ارزشیابی کیفی توصیفی و چالش افت تحصیلی
۱۲۵.....	نتایج کلی
۱۳۲.....	معرفی آثار دکتر سید احمد باسند
۱۳۷.....	فهرست منابع

پیشگفتار:

امروزه نیازمند سیستم‌هایی از سنجش و ارزیابی هستیم که به هر دانش‌آموز به دیده‌ی حرمت نگاه کند. موهبت‌های طبیعی و انسانی او را بسیار بیشتر از آزمون‌های سنتی نشان دهد. پس آن نوع سنجش که بتواند تصویری واضح و سه بعدی از رشد مهارت‌ها، توانایی‌ها و دانش و نگرش دانش‌آموز بدهد، قابل دفاع می‌باشد. برخلاف ارزشیابی کمی که با داده‌های کمی و ریاضی و عدد و ارقام سروکار دارد، از قضاوت برخوردار است. باید دانست که کیفیت یک امر نسبی است و انعطاف‌پذیر می‌باشد و به طور کلی می‌توان گفت: که کیفیت مقطعی نیست بلکه اندیشه‌ای مستمر است و بر اساس تلاش و فعالیت فرد انجام می‌گیرد. اما باید این مطلب را مد نظر داشت که ارزشیابی کمی برای عموم قابل فهم‌تر و مفیدتر است و اما ارزشیابی کیفی تخصصی‌تر بوده و مهارت و آموزش بیشتری برای بکارگیری لازم دارد و بیشتر از مفاهیم و کلمات کلیدی، ارزش‌گذاری و قضاوت برخوردار است. همچنین این دو ارزیابی از نظر ابزارهای جمع‌آوری داده‌ها نیز با هم فرق دارند، ابزار جمع‌آوری داده‌های کمی معمولاً آزمون‌های عینی یا استاندارد با پاسخ‌های از قبل تعیین شده است. اما از ارزشیابی کیفی را می‌توان ابزارهای ذهنی، پرسشنامه‌ها و نگرش‌سنج‌ها، روش‌های مصاحبه‌ای، مشاهده‌ای، واقعه نگاری و گزارش‌های روزانه و ... نام برد. به عنوان مثال: تعداد پرسش‌های فراگیران در کلاس = کمی، اما نوع پرسش‌های فراگیران در کلاس = کیفی است یا حجم هر پرسش و پاسخ آن = کمی است، نوع‌آوری و تازگی پرسش = کیفی است. ارزشیابی توصیفی یا کمی را می‌توان آموزش بدون نمره دانست و به جای تأکید بر ارزشیابی‌های پایانی باید بر ارزشیابی تکوینی (مستمر) تأکید داشت.

در واقع ارزشیابی توصیفی به توصیف ارزشیابی‌های گوناگون که به شیوه‌های متنوع از دانش‌آموز، به عمل آورده‌ایم می‌پردازد.

متأسفانه فرآیند سنجش و ارزشیابی در کشور ما، مطابق عرف، فقط شامل ارزیابی مجموعی یا نهایی است، که در پایان دوره آموزشی به منظور تشخیص پیشرفت تحصیلی و رتبه‌بندی صورت می‌گیرد. در این روش، تمامی تلاش معلم، دانش‌آموز والدین و کل نظام آموزشی معطوف به آزمون‌های نهایی و نمره آنهاست. ماحصل همه زحمات در یک عدد یک یا دو رقمی خلاصه می‌شود. این نمره، نه تنها ملاک قضاوت و تصمیم‌گیری در خصوص دانش‌آموز است، بلکه به نوعی ارزشیابی از عملکرد معلم، مربی، مدیر، والدین و نظام آموزشی، تلقی می‌شود.

تردیدی نیست که نتایج حاصل از این گونه تصمیم‌گیری‌ها دقیق نبوده، ممکن است عواقب ناگواری به همراه داشته باشد؛ به عبارت دیگر به جای آنکه نظام ارزشیابی و اندازه‌گیری در خدمت آموزش، رشد و توسعه دانش فراگیران و معلمان قرار گیرد، فرآیند تدریس و یادگیری در حالت نظام سنجش و آزمون درآمده است و ملاک قضاوت در مورد عملکرد نظام و دانش‌آموز در یک مقیاس صفر تا بیست خلاصه می‌شود. باید این مطلب مهم را در نظر داشت که جوامع پیشرفته بشری با عنایت به توسعه آموزش و پرورش خود توانسته‌اند. پله‌های ترقی و توسعه همه جانبه را بیمایند. در توسعه آموزش و پرورش ملاک‌ها و فاکتورهای متعددی نقش دارند. مهم‌ترین آن نظام ارزشیابی در آموزش می‌باشد. آموزش را می‌توان به عنوان فرایند کنش متقابل معلم و دانش‌آموز تعریف کرد که به موجب آن تجارب مناسب یادگیری برای رسیدن دانش‌آموزان به هدف‌های

آموزش و پرورش فراهم می‌شود. در آموزش و پرورش سنتی، ارزشیابی به عنوان آخرین حلقه‌های فرایند یاددهی، یادگیری تلقی می‌شود که در پایان دوره آموزشی برای جدا کردن دانش‌آموزان با توانایی یادگیری متفاوت به کار می‌رفت. امروزه ارزشیابی را بخش جدایی‌ناپذیر فرایند یاددهی - یادگیری می‌داند، که همراه با آموزش و در ارتباط تنگاتنگ با آن، به گونه‌ای مستمر انجام می‌گیرد و به جای تأکید بر طبقه‌بندی دانش‌آموزان و مقایسه آنان با یکدیگر، هدایت یادگیری آنان را مرکز توجه خود قرار می‌دهد. به منظور نظام بخشی به فعالیت‌های ارزشیابی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان با توجه به رویکردها و نگرش‌های نوین در تعلیم و تربیت، اصول (بر تحت عنوان (اصول حاکم بر ارزشیابی پیشرفت تحصیلی) تعیین شده است. در آخر برای همه معلمان کشور عزیزمان؛ از درگاه خداوند متعال آرزوی عزت و سربلندی داریم. از خوانندگان محترم تقاضا داریم نظرات و انتقادات خود را به وب سایت www.dr-hacheini.com ارسال نمایند.

سید احمد هاشمی

مریم ستایش‌فر

۱۳۹۸

مقدمه:

ارزشیابی به یک فرآیند نظامدار برای جمع‌آوری، تحلیل و تفسیر اطلاعات گفته می‌شود. به این منظور که، تعیین شود آیا هدف‌های مورد نظر تحقق یافته‌اند یا در حال تحقق یافتن به چه میزانی هستند.

به طور کلی ارزشیابی جامع‌تر از اندازه‌گیری است، به گونه‌ای که علاوه بر جنبه‌های کمی، جنبه‌های کیفی رفتار را دبرمی‌گیرد. اندازه‌گیری، عمل یا فرآیندی است که دآوری ارزشی ندارد، برخی از منتقدان اندازه‌گیری را دقیق‌تر دانسته و معتقدند که با وضعیت سروکار دارند. البته آزمون که یک اندازه‌گیری محسوب می‌شود، ناهمخوانی‌ها را در دنیته‌ها را کاهش می‌دهد و عینی‌تر است. اما این بدان معنی است که به تنهایی می‌تواند دال باشد. به گفته بسیاری از صاحب نظران اجرای ارزشیابی تکوینی وسیله‌ی مهمی برای سنجش جنبه‌های مثبت و منفی تجربه‌های یادگیری دانش‌آموزان به شمار می‌رود. و در رشد و بالندگی و شکوفایی استعدادهای آنها مؤثر است. بنابراین چنین سطح انتظاری در آموزش و پرورش هرگز از طریق برگزاری امتحانات چند نوبتی کتبی در طول سال تحصیلی در نظام گذشته، مقدور نمی‌باشد. یکی از ویژگی‌های مهم ارزشیابی تعیین کیفی است. در فرآیند ارزشیابی دآوری ارزشی با توجه به کیفیت به عمل می‌آید. (حسنی، ۱۳۸۸).

به نظر می‌رسد، ارزشیابی از نظر لغوی بار معنایی، یافتن ارزش‌های یک مؤلفه باشد و در فرآیند تعلیم و تربیت، شناسایی و مشخص نمودن ارزش‌هایی باشد که انتقال، موجودیت و فعلیت یافتن آنها در فراگیران مورد انتظار است. به دیگر سخن، مربی باید مربی را با توجه به اهداف، محتوای طراحی شده برای رسیدن

به اهداف، خصوصیات فراگیران (تفاوت‌های فردی) و ... مورد بررسی قرار دهد که آیا اهداف مورد انتظار در حال تحقق یافتن (ارزشیابی فرآیند یا ارزشیابی برای یادگیری) و یا اینکه محقق شده‌اند. (ارزشیابی پایانی یا ارزشیابی از یادگیری). سپس آنرا به صورت کمی یا کیفی معیارگذاری و اندازه‌گیری نماید. نباید ارزشیابی را با اندازه‌گیری یکسان دانست. اندازه‌گیری همان عملی است که برای تعیین میزان دارا بودن یک ویژگی در فرد یا گروه صورت می‌گیرد (لطف آبادی ۱۳۹۰).

نظریه‌های جدید یادگیری و تجربه‌ی چند ساله نظام ارزشیابی، متولیان تعلیم و تربیت ما را بر آن داشت تغییراتی را در نظام ارزشیابی بوجود آورند. از آن جمله می‌توان به ارزشیابی مستمر و در نوبه شدن امتحانات و سپس ارزشیابی کیفی توصیفی اشاره کرد. با فکر کردن به اهلوش‌ترین افرادی که می‌شناسید، احتمالاً چند خصیصه بارزشان را به خاطر می‌آورید، به احتمال زیاد این افراد با کمترین تلاش، بالاترین نمره‌ها را در مدرسه می‌گرفتند. آنها شغل‌های خوبی دارند ولی در ارتباط با همکارانشان موفق نیستند. با اینکه دوستان زیادی دارند، ولی روابط جدی شخصی‌شان اندک است. حالا به چند نفر از موفق‌ترین افراد در زندگی‌تان و به خصیصه‌های مشترکی که آنها با یکدیگر دارند، فکر کنید. بوسه دایره دوستان این افراد بزرگ و متنوع است. ارتباطات شخصی‌شان قوی و زندگی خانوادگی‌شان مملو از افتخار و کامیابی است. آنها نسبت به دیگران، حتی نسبت به کسانی که تازه ملاقات می‌کنند، علاقه نشان می‌دهند. آنها رضایت بیشتری از شغل خود دارند، احترام همسالان‌شان را برمی‌انگیزند و به خاطر خوب انجام دادن مسئولیت شغلی‌شان، از سرپرست خود امتیاز و ترفیع می‌گیرند. آنها عواطف‌شان بدون

ریاکاری، احساسات‌شان بدون نخوت و اعتماد به نفسشان عاری از هر خودنمایی است.

تفاوت بین این دو گروه، تفاوت میزان IQ یا ضریب هوشی و چیزی است که EI یا «هوش هیجانی» نامیده می‌شود. هوش هیجانی شیوه‌ای پذیرفته شده برای ارزیابی موفقیت یک فرد است؛ شیوه‌ای که امروزه در آمریکا رو به گسترش است. برای سال‌های متمادی تصور بر این بود که (IQ ضریب هوشی) نماینده میزان موفقیت افراد است. در مدارس معیار اهدای جوایز به دانش‌آموزان تست هوش بود و حتی بعضی از شرکت‌ها برای پاداش از تست هوش استفاده می‌کردند. در دهه اخیر محققان دریافته‌اند که IQ تنها شاخص ارزیابی موفقیت یک فرد نیست. آنها در حال حاضر مشغول تحقیق درباره EQ (هوش عاطفی) هستند.

هوش یکی از مهم‌ترین سازه‌های روانی است، که از زمان مطرح شدن آن توسط آلفرد بینه در اوایل قرن بیستم همواره برای تبیین موفقیت شغلی و کارایی بکار رفته است. هوش عاطفی زمانی مورد توجه قرار گرفت که دنیل گولمن در سال ۱۹۹۵ کتاب خود را با عنوان «چرا هوش عاطفی می‌رواند مهمتر از IQ باشد؟» به چاپ رساند.